

Qur'anic Engineering in Ensuring Social Security through Combating Immorality Based on the Sequence of Revelation of the Medinan Surahs

Tahereh Sadat Hosseini Nasrabadi¹, Mohsen Ghamarzadeh²

¹ Level 4 Scholar, Comparative Interpretation, Masoumeh Institute of Higher Education (S), Qom, Iran (**Corresponding author**). hosseinyasr@yahoo.com

² Assistant Professor, Department of Education, IRIB University, Tehran, Iran. ghamarzadehm@gmail.com

Abstract

Prostitution is the root of insecurity, from which other crimes arise. By reducing moral corruption, security is established, and family stability is ensured. Given the comprehensiveness of the Qur'an, strengthening security requires uncovering the Qur'an's approach to addressing security threats related to prostitution. The findings of this study, conducted using a descriptive-analytical method based on the chronological order of Qur'anic revelation in the Medinan surahs, are as follows: The Qur'an outlines a wise and gradual plan to eradicate prostitution from society. The transformative process in Mecca emphasizes self-purification and community-building, while the approach to prostitution is foundational, implemented through awareness-raising to educate Muslims. However, in Medina, this process takes the form of community-building and globalization, addressing the issue through four precise and uncompromising stages. The first stage, continuing from the Meccan period, emphasizes clarifying the concept of prostitution and calling for repentance. In the subsequent stages, with the institutionalization of Islamic society, the Qur'an introduces educational and legal measures for deterrence and punishment of offenders—such as house arrest, denial of legal support for wrongdoers, and implementation of prescribed penalties—so that external religious oversight progresses alongside internal moral vigilance. The most significant Qur'anic approach is reflected in assigning double punishment to prominent individuals in society. To protect the community from potential harm, the Qur'an also distinguishes offenders through strategies such as promoting chastity, enforcing the hijab, and encouraging the marriage of the pure and impure within their own groups.

Keywords: Social security provision, Chronological order of revelation, Medinan surahs, Prostitution, Sexual corruption, Qur'an.

Cite this article: Hosseini Nasrabadi, T.S. & Ghamarzadeh, M. (2025). Qur'anic Engineering in Ensuring Social Security through Combating Immorality Based on the Sequence of Revelation of the Medinan Surahs. *Social-Cultural Studies of Hawzah*. 9(2), p. 85-106. <https://doi.org/10.22034/scs.2025.71827.1420>

Received: 2025-05-18 ; **Revised:** 2025-06-11 ; **Accepted:** 2025-07-20 ; **Published online:** 2025-10-02

Published by: The Scientific Association for Social Studies of the Seminary

©2025/authors retain the copyright and full publishing rights

Article type: Research Article



مهندسی قرآن در تأمین امنیت اجتماعی از طریق مقابله با فحشاء بر اساس سیر نزول سوره‌های مدنی

طاهره سادات حسینی نصرآبادی^۱، محسن قمرزاده^۲

^۱ دانش‌پژوه سطح ۴، تفسیر تطبیقی، موسسه آموزش عالی معصومیه (س)، قم، ایران (نویسنده مسئول).

hosseinyasnar@yahoo.com

^۲ استادیار، گروه معارف، دانشگاه صداوسیما، تهران، ایران. ghamarzadehm@gmail.com

چکیده

فحشا مادر ناامنی است که از دل آن جرایم دیگر زاییده می‌شود. با کاهش فساد اخلاقی، امنیت برقرار شده و ثبات خانواده تأمین می‌گردد. باتوجه به جامعیت قرآن، برای تثبیت امنیت باید «فرایند برخورد قرآن با تهدیدکنندگان امنیتی در زمینه فحشا» را کشف کرد. یافته‌های این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی، به ترتیب نزول قرآن در سوره‌های مدنی است، حاکی از آن است که قرآن برنامه‌ریزی خردمندانه و گام‌به‌گامی برای ریشه‌کنی فحشا از جامعه ارائه داده است. سیر تحول در مکه به صورت خودسازی و جریان‌سازی است. برخورد با فحشا نیز بنیادین و از طریق آگاهی‌بخشی جهت تربیت مسلمین است، اما در مدینه این سیر به شکل جامعه‌سازی و جهانی‌سازی است که طی چهار مرحله به طور دقیق و بدون ملاحظه برخورد می‌کند. مرحله اول در ادامه دوران مکی، بر تبیین فحشا و دعوت به توبه تأکید دارد. در مراحل بعد باتوجه به تشکیلاتی شدن جامعه اسلامی جهت بازدارندگی و مجازات خاطی، به وضع قوانین تربیتی-حقوقی همچون حبس خانگی، عدم حمایت حقوقی فاجرین و اجرای حدود اقدام می‌کند، تا نظارت بیرونی دین در کنار نظارت درونی، هم‌پای هم پیش بروند. مهم‌ترین نحوه برخورد قرآن در دو برابر دانستن مجازات افراد شاخص جامعه تجلی می‌یابد و برای در امان ماندن جامعه از آسیب‌های احتمالی، به تفکیک خاطیان با راهکار عفت، حجاب و ازدواج پاکان و ناپاکان با هم‌سخن خود می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: امنیت اجتماعی، فحشا، فساد جنسی، قرآن، عفاف، سوره‌های مدنی.

پژوهش حاضر برگرفته از: پایان‌نامه سطح ۴ طاهره سادات حسینی نصرآبادی، با عنوان «سیر نهادهای سازی امنیت اجتماعی از منظر قرآن کریم»، استاد مشاور: محسن قمرزاده و بهرام بیات، ارائه شده در موسسه آموزش عالی معصومیه (س) در رشته تفسیر تطبیقی می‌باشد.

استاد به این مقاله: حسینی نصرآبادی، طاهره سادات: قمرزاده، محسن (۱۴۰۴). مهندسی قرآن در تأمین امنیت اجتماعی از طریق مقابله با فحشاء براساس سیر نزول سوره‌های مدنی. *مطالعات فرهنگی اجتماعی حوزه*، ۹(۲)، ص ۸۵-۱۰۶.

<https://doi.org/10.22034/scs.2025.71827.1420>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۸؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۳/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۹؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۷/۱۰

نوع مقاله: پژوهشی ناشر: انجمن علمی مطالعات اجتماعی حوزه نویسنده: نویسنده‌ان دارندة حق‌مؤلف مقالة خود بدون محدودیت هستند. ۱۴۰۴/



<https://gnoe.bou.ac.ir/>



۱. مقدمه

امنیت ابعاد زیادی دارد که هرکدام اهمیت خاصی داشته و از نیازهای انسان، امنیت در بعد اجتماعی است. البته آرامش اجتماعی بدون امنیت فکری و روانی میسر نیست، یا حداقل پایدار نخواهد بود. در کنار امنیت جانی، جامعه باید از هرگونه آلودگی جنسی نیز پاک باشد و افراد خصوصاً بانوان از این جهت در جامعه در امان باشند. بین فحشا و عدم امنیت رابطه مستقیمی وجود دارد. با افزایش فحشا، ناامنی هم بیشتر می‌شود. با گسترش فحشا عده‌ای به انتقام‌گیری یا مقابله با عاملان فحشا برمی‌خیزند که خود این کار موجب ناامن‌تر شدن جامعه می‌شود. فحشا مادر ناامنی است؛ و از دل آن جرایم متعددی ازجمله قتل، طلاق، ازهم پاشیدگی خانواده، خیانت و... زائیده می‌شود. با وجود آنکه پروردگار، انسان را به حجت درونی و برونی مجهز کرده و اسباب هدایت و دوری از رفتارهای ناصواب را فراهم آورده است، اما گاه انسان غفلت کرده و تحت تأثیر وسوسه دشمن درون و برون واقع می‌شود و آگاهانه یا ناآگاهانه، از خود رفتارهای ناشایست بروز می‌دهد که امنیت جامعه را به خطر می‌اندازد. از آنجاکه در نظام اجتماعی اسلام، نمی‌توان اینگونه رفتارها را نادیده گرفت، لازم است با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی، شیوه‌ای درست و کارساز در برخورد با خطاکاران اتخاذ شود تا با به‌کارگیری آن، امنیت بر جامعه حاکم شود. مخاطبان سوره‌های مکی نوعاً مشرکان و مسلمین تحت ستم مشرکین بودند و پیامبر(ص) با آموزه‌های قرآنی تلاش کرد امنیت اجتماع کوچک تازه‌مسلمان را در دوره سلطه جاهلیت در حوزه اعتقاد و جان تأمین کند و برای مقابله با پدیده منکر فحشا، برخوردهای تربیتی که احتیاج به زمان و تکرار زیاد دارد، پیش گرفت. از این‌رو محور اساسی محتوای این سوره‌ها تبیین است؛ چراکه پیشگیری قبل از درمان مؤثرتر و پربازده‌تر و کم‌هزینه‌تر است؛ از این‌رو با آگاهی‌بخشی از طریق بیان منکر فحشا و نکوهش آن (نجم، ۳۲؛ اعراف، ۲۸-۳۳) به مقابله با این منکر رفت و حتی اثرات منفی و اسباب آن را بیان کرد (اعراف، ۸۰-۸۱؛ نمل، ۵۵-۵۴)، تا مردم ضمن اجتناب، یکدیگر را هم از انجام آن بازدارند و از آنجاکه برای برخورد بازدارنده نباید تنها به نکوهش و نهی از خلاف بسنده شود، بلکه راهی درست ارائه گردد، تا محرک و مشوق آنان در ایجاد امنیت و برحذر داشتن از عوامل مخل باشد، بنابراین، قرآن در دوران مکی در کنار تبیین زشتی فحشا، مدل و الگوهایی از خوبان مانند حضرت مریم و یوسف(ع) و عباد الرحمن ارائه می‌دهد (فرقان، ۶۸؛ مریم، ۱۸؛ یوسف، ۲۴)، تا مسلمین با الگوبرداری از آنان، جلوی انحرافات خود و جامعه را بگیرند. باتوجه به عدم وجود حاکمیت دینی، برخورد با فحشا در دوران مکی تدافعی و یا به عبارتی بنیادین و فردی است؛ یعنی نهادهای سازی رفتارهای مطلوب حتی با اجتناب از رفتارهای نکوهیده مثل فساد جنسی. با شکل‌گیری اجتماع مسلمانان و استقرار حکومت اسلامی در مدینه، مرزهای امنیت اجتماعی گسترش یافت؛ تا جایی که شاهد تنظیم روابط صالح میان مسلمانان و گروه‌های مختلف آنها و روابط با دیگر ادیان و ملل هستیم. بیعت یا پیمان مدینه به‌مثابه قرارداد اجتماعی یا اولین قانون



اساسی دولت اسلامی که متضمن عهد متقابل انصار و مهاجرین مسلمان، اوس و خزرج و همچنین یهودیان مدینه و هم‌پیمانان آنان برای برقراری جامعه سیاسی مبتنی بر دفاع مشترک از همدیگر در مقابل دشمنان احتمالی بود، نقطه عطفی در تحول کارکرد سنت‌های سیاسی اعراب بدوی در جهت استقرار زندگی مدنی بر پایه تعالیم اسلامی و عقلانیت بشری به‌شمار می‌رفت (ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۰۱). از آنجاکه اسلام نظام متریقی است که پاسخگوی نیازهای فردی و اجتماعی افراد در همه زمان و مکان‌ها است؛ و با توجه به مرجعیت قرآن در این زمینه و عدم اختصاص آن به عصر نزول، و اقرار به اینکه قرآن ضمن برقراری امنیت، به عوامل تهدیدکننده امنیت توجه کرده است، پس، در مقوله امنیت اجتماعی راهکارهای خوبی می‌تواند ارائه دهد که بر جامعه ما هم منطبق باشد.

۲. پیشینه پژوهش

تحقیقات گوناگونی در حوزه موضوع پژوهش حاضر انجام شده است، از جمله، آقاجانی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «استراتژی قرآن در مواجهه با انحرافات اجتماعی»، به‌طور کلی به بررسی زمینه و عوامل وقوع انحرافات اجتماعی پرداخته است. آل‌یاسین (۱۳۹۶) نیز در پژوهشی با عنوان «نشر خبر فحشا» به واکاوی آیه اشاعه فحشا و مقایسه آن با تهمت و غیبت می‌پردازد. با اذعان به اینکه پیشینه تحقیق اهمیت موضوع را نشان می‌دهد، و از خلاء موجود و لزوم نگاه تخصصی به مبحث کشف مدل و ارائه راهکارهای اجرایی در این زمینه حکایت دارد، در این تحقیق سعی بر آن است نحوه و مراحل برخورد قرآن با منحرفان با توجه به سیر نزول واکاوی شده و به این سوال پاسخ داده شود که: برخورد قرآن با اخلاص‌گران امنیت اجتماعی در زمینه فحشا در دوران مدینه چگونه بوده است؟ در این پژوهش بررسی سیر تطور و شکل‌گیری موضوع در بستر نزول بوده و داده‌ها به ترتیب نزول سوره‌ها چینش می‌یابند. پس از آن داده‌های قرآنی با توجه به واقعیت اجتماعی مردم عصر نزول توصیف گردیده و در نهایت کیفیت برخورد با فحشا به عنوان مانع امنیت اجتماعی در دوره استقرار جامعه اسلامی و تشکیل حکومت ایمانی استخراج می‌شوند. در دوره مدینه چون عصر استقرار و ثبات حاکمیت اسلامی است، در آیات مدنی راهکارهای عملی و جدی برای افراد و مقامات حاکم ارائه شده که برای جامعه کنونی کاربردی است. برای رسیدن به هدف تحقیق آیات قرآن مربوط به بحث، براساس سیر نزول گزینش و بررسی شده است. هدف پژوهش بیان مراحل است که قرآن در برخورد با مرتکبین و اشاعه‌دهندگان فحشا در مدینه اجرا کرده است؛ و با کشف این مراحل، گامی در فراهم کردن بستر این امر در جامعه امروزی برداشته شود.

۳. مفهوم‌شناسی

۳-۱. مهندسی قرآن

لغت‌شناسان واژه مهندس را به معنای اندازه‌گیرنده و تقدیرکننده (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل واژه) دانسته‌اند.



«هندسه» معرب «اندازه» فارسی است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۲۵۲). مهندسی، به معنای تدوین، تهیه نقشه و طرح جامع برای ساماندهی یک مجموعه است؛ یعنی طراحی و هدایت (هچ ماری، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۹۳). مهندسی قرآن، یعنی کشف فرایند بازشناسی، آسیب شناسی، پالایش، ارتقاء بخشی امنیت و جهت دهی آن بر پایه قرآن (بهجت پور، ۱۳۹۳، ص ۹۸). به عبارت دیگر، فرایند بازطراحی، اصلاح، و ارتقاء امنیت براساس آموزه های قرآنی.

۳-۲. فحشاء

برخی فحشا را به معنای عدم موافقت با حق گرفته اند (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۹۶)؛ یا قبیحی که زشتی آن بزرگ (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۲۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۳۲۵) یا آشکار باشد (مصطفوی، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۳۴). کلمه فاحش را به خروج از حدی که متعارف نباشد، گویند (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱۰۱۴)؛ به طور مثال، «غب فاحش» به معنای اختلاف قیمتی است که بیش از حد متعارف باشد (فیومی، بی تا، ج ۲، ص ۴۶۳). با بررسی دیدگاه لغویان در مورد معنی «فحشا» و موارد استعمال آن، بعید نیست فحشا به عمل یا قول زشتی که قباحت شدیدی داشته یا قباحت آن بر عموم مردم آشکار است، اطلاق شود، نه به هر عملی که در عرف زشت یا در شرع حرام باشد (سید کریمی، ۱۳۸۹، ص ۹۷). به نظرمی رسد فحشا با مطلق عمل قبیح متفاوت باشد و به نوع عمل یا قولی که زشتی مضاعفی داشته باشد، اطلاق شود؛ همان طور که، «فُحش» به کلام قبیحی که استهجان خاصی داشته باشد، اطلاق می شود.

۳-۳. امنیت اجتماعی

امنیت (حاصل مصدر) برگرفته از واژه «أمن» است. «أمن» ضد ترس و به گفته برخی نقیض آن است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۲۱). بنابراین، امنیت یعنی آرامش و نبود ترس و وحشت. اصطلاح امنیت اجتماعی را «بری گوردن بوزان» (اقتصاددان بریتانیایی) برای اولین بار در کتاب «مردم، دولت ها و هراس» به کار برد (بوزان، ۱۳۷۸، ص ۳۴). امنیت اجتماعی، حفظ جان، آبرو، مال و حیثیت افراد جامعه است، در صورت خدشه دار شدن این ها، امنیت اجتماعی متزلزل خواهد شد (لرنی، ۱۳۸۳، ص ۳۵). عماد التمیمی قائل است که، امنیت اجتماعی عبارت است از امنیتی است که در آن آرامش برای شخص و جامعه محقق می شود و فرد و جامعه از خطرات داخلی و خارجی مثل خطرات نظامی، قتل، ربایش، سرقت و... -که آنها را تهدید می کند- در امان باشند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۶). امنیت اجتماعی به قلمروهایی از حفظ حریم فرد مربوط بوده که به نحوی در ارتباط با دیگر افراد جامعه هستند و به نظام سیاسی و دولت هم مربوط می شود؛ این قلمروها شامل زبان، نژاد، قومیت، درآمد، رفاه، آزادی، اعتقاد و... است. در قرآن، کلمه «أمن» و مشتقات آن، در معانی مختلفی به کار رفته است، مانند: امانت (نساء،



۵۸)، ایمان (انفال، ۲۷)، امنیت در برابر خطرهایی که در جهان پس از مرگ، انسان را تهدید می‌کند (آل عمران، ۱۵۴)، و امنیت در مقابل خطرهایی که آرامش اجتماعی انسان را تهدید می‌نماید (کهف، ۹۴-۹۸).

۴. چارچوب نظری

در این تحقیق تحلیل‌ها، مبتنی بر مبانی نظری شاخص‌های قرآنی امنیت اجتماعی، شیوه و معیار گزینش آیات است.

۴-۱. شاخص‌های سنجش امنیت اجتماعی از منظر قرآن

«شاخص»، ویژگی و نشانه‌هایی برای شناسایی مفاهیم هستند. برای تعیین سنجش میزان امنیت در جامعه لازم است به ابعاد مادی و معنوی، هردو، توجه کرد، در اسلام، ویژگی شهر و کشور امن، زندگی ساکنین در آرامش روحی و برخورداری از رزق همه‌جانبه مادی و معنوی ترسیم شده است (نحل، ۱۱۲). در تأمین امنیت، تولی (ایمان به خدا) و تبری از ظالمین لازم است (انعام، ۸۱-۸۲). ایمان به خدا مایه امنیت و آرامش؛ و کفر انسان موجب ناامنی، ترس و فقر می‌شود (فصلت، ۴۰؛ بقره، ۱۲۶). پنج شاخصه ایمان (یوسف، ۶۳-۶۴؛ سبأ، ۳۷؛ بقره، ۱۲۵) و فور نعمت مادی و معنوی (قصص، ۵۷؛ بقره، ۱۲۶)، آرامش (رعد، ۲۷-۲۹)، هدایت (بقره، ۳۸-۳۹) و عمل صالح (نور، ۵۵) به عنوان محورهای اصلی امنیت در اسلام مورد توجه است (حمزه پور، ۱۳۹۱، ص ۱۲۴).

۴-۲. روش تحقیق در گزینش آیات

مطالعه تدریجی برای کشف روش مهندسی چاره‌ای ندارد، مگر آنکه از مسیر ترتیب نزول بگذرد؛ چون قرآن، کتاب علم نیست، بلکه کتاب تکنیک برای تحول جامعه هدف است؛ پس، روش کار در اینجا تفسیر موضوعی به ترتیب نزول قرآن است. برخی از علمای قرآنی جداولی را در ترتیب نزول قرآن تهیه کرده‌اند؛ مانند نگارنده «درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن» (نکونام، ۱۳۸۰، ص ۱۴۲) و مولف تفسیر تنزیلی قرآن (بهجت پور، ۱۳۹۴، ص ۳۴۵). گرچه این جداول دارای اختلافات جزئی هستند، مثلاً جلال‌الدین سیوطی پس از آنکه اقوال مختلفی را در مورد سوره‌های مکی و مدنی نقل می‌کند، آنگاه برای تعیین موارد اختلاف از قول ابوالحسن ابن الحصار در پایان چنین می‌نویسد: «سوره‌های مدنی به اتفاق، بیست سوره است که در ۱۲ سوره اختلاف می‌باشد و جز اینها مکی است به اتفاق» (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۱)؛ ولی این اختلافات قابل اعتناء نیست. در مرحله نخست آیاتی که به طور مستقیم و یا غیرمستقیم با موضوع حاضر مرتبط بوده، شناسایی و تفکیک شده‌اند. بعد از گزینش و انتخاب آیات مورد نظر، به دسته‌بندی و سپس با توجه به سیاق، به تحلیل آیات پرداخته شده تا مشخص شود فرایند برخورد



قرآن با عاملان و اشاعه‌دهندگان فحشا در سیر نزول کدام است و محقق با توجه به روند شکل‌گیری و رشد جامعه مسلمانان دریابد که برخورد با این موضوع با چه ادبیات و ظرائفی در این مراحل مطرح شده است. کلمات فحشا، فاحشه و فواحش، ۲۴ بار در قرآن آمده‌اند که ۱۱ بار آن در سوره‌های مدنی است.

جدول ۱- واژگان فحشاء در سوره‌های مدنی

نمایه	متن آیه	آیه	ترتیب نزول	سوره
تبیین اجتناب از فحشا	«إِنَّمَا يَأْمُرُكُم بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ»	۱۶۹	مدنی ۸۷	بقره
عامل بازدارنده: مغفرت، فضل، رحمت الهی	«الشَّيْطَانُ يَعِدُكُم الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا»	۲۶۸	مدنی ۸۷	بقره
عامل بازدارنده: یاد خدا و استغفار	«... وَ الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ»	۱۳۵	مدنی ۸۹	آل عمران
اقدامات تأمینی: حبس خانگی، اثبات فحشا با ۴ شاهد مرد	«... وَ اللَّائِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاَسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى تَتَوَقَّاهُنَّ الْمَوْتَ أَوْ يُجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا»	۱۵	مدنی ۹۲	نساء
اقدامات تأمینی: اذیت و اعراض از فرد خطاکار	«وَالَّذَانِ يَأْتِيَانِيَا مِنْكُم فَأُذِيهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرَضُوا عَنْهُمَا»	۱۶	مدنی ۹۲	نساء
اقدامات تربیتی: عدم پرداخت مهریه	«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَلَا تَفْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ...»	۱۹	مدنی ۹۲	نساء
اقدامات تربیتی: ازدواج راهکار نجات از فحشا، کم کردن مهریه در طلاق	«... فَإِنْ تَبَيَّنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ...»	۲۵	مدنی ۹۲	نساء
اشاعه شهوات	«وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا»	۳۷	مدنی ۹۲	نساء
عدم اشاعه فحشا: عدم آشکارسازی منکرات	«لَا يَحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ»	۴۸	مدنی ۹۲	نساء
اقدامات تربیتی: عدم حمایت حقوقی مطلقه (جواز اخراج مطلقه فاحشه از منزل)	«لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ...»	۱	مدنی ۹۹	طلاق
مجازات و اجرای حدود	«الرَّائِيَةُ وَالرَّائِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ...»	۲	مدنی ۱۰۳	نور
جداسازی خاطیان عفتی ضامن سلامت اخلاقی	«الرَّائِي لَا يَنْكُحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالرَّائِيَةُ لَا يَنْكُحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحَرَّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ»	۳	مدنی ۱۰۳	نور
مجازات اشاعه فحشا	«إِنَّ الَّذِينَ يُجِئُونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»	۱۹	مدنی ۱۰۳	نور



نمایه	متن آیه	آیه	ترتیب نزول	سوره
جداسازی خاطیان عفتی	«الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ»	۳۶	مدنی ۱۰۳	نور
عفت و حجاب راهکار پیشگیری از فحشا	«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ... وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ»	۳۱	مدنی ۱۰۳	نور
عفت راه نجات از فحشا	«وَلَيْسَتُغْفَبِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»	۳۳	مدنی ۱۰۳	نور

به هر جهت، برای کشف مهندسی قرآن و فرایند مقابله با فحشا و تأمین سلامت و امنیت جامعه باید سیر نزول آیات را بررسی کرد. قرآن در مدینه طی مراحل، گام‌هایی تدریجی در برخورد با مرتکبان و اشاعه‌دهندگان فحشا و در نهایت تأمین امنیت، به تناسب افراد جامعه و محیط اسلامی برمی‌دارد.

۳-۴. فرایند و تحلیل آیات فحشا در سوره‌های مدنی

خداوند با بیان مصادیق فحشا در دوران مکه، ضمن نکوهش این ناهنجاری، مسلمین را به اجتناب از آن دعوت کرد؛ تا جایی که عرف جامعه کم‌کم رفتارهای جنسی خارج از چارچوب شرع را ناهنجار تلقی می‌کرد و آگاهی‌هایی در ترک و برخورد با آن ارائه داد. حال قرآن در مدینه ضمن استمرار و تقویت شیوه‌های مکی، با تأسیس حکومت اسلامی، در اینجا باتوجه به شرایط حاکم، برخوردهای متفاوت سازنده‌ای را پیش می‌گیرد. در این دوران، طی چهار مرحله ابتدا تأکید بر اجتناب از فحشا و دعوت به توبه می‌کند؛ سپس با اقدامات تأمینی و تربیتی و اجرای عملی حدود و در نهایت با جداسازی خاطیان جهت پاک‌سازی جامعه، به مبارزه با فحشا می‌پردازد.

♦ مرحله اول: تأکید بر تبیین با نکوهش فحشا

با اینکه در اواخر دوران مکی بعضی رفتارها ارزش‌گذاری شده و تا این مرحله گروهی از مؤمنان تربیت شدند که اجتناب از آلودگی اخلاقی را در ذهن، دل، زبان و عمل خود باور کرده‌اند و پرهیز از آلودگی‌ها را به‌عنوان ارزشی ثابت و پایدار پذیرا شدند، اما هنوز عده‌ای تازه‌مسلمان به علت مراوده با مشرکین، یا در اثر فریب شیطان، باز در معرض ارتکاب این منکر هستند. از این‌رو در ابتدای دوران مدینه همچنان قرآن بر نکوهش آن تأکید می‌کند، تا مردم از این امر فاصله بگیرند.

الف. اجتناب از فحشا: در آیه «إِنَّمَا يَأْمُرُكُم بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (بقره، ۱۶۹) دو مفهوم متفاوت «سوء» و «فحشاء» به هم عطف شده‌اند که هر دو حرام‌اند (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۰۵). مراد از «سوء»، هر کار زشتی که شرع یا عقل از آن بازدارد (طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۴)، یا مطلق گناهان (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۶۱)، یا گناهایی که حد ندارد (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۱۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۳۸) بوده و مراد از «فحشاء»، کاری که قبح زیاد دارد (طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۴) و موافق حق نیست (طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۴)، یا گناهایی که حد دارند،



است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۶۱؛ زمخشری، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۲۱۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۳۸). شبیه این عبارت در آیه «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره، ۲۶۸) آمده است. در این آیات دور شدن از خدا و پیوستن به حزب شیطان عامل فحشا شناخته شده که مرتکب فحشا باید با یادآوری فضل و مغفرت الهی، از ارتکاب گناه در این زمینه دوری کند.

ب. توبه، زمینه اجتناب از گناه: مراد از «فَاحِشَةً» در آیه «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَمْ يُصِرُّوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَ هُمْ يَعْلَمُونَ» (آل عمران، ۱۳۵) ارتکاب هر گناه (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۴، ص ۲۱۰) قبیح است (زمخشری، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۱۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۲۱). اگر ناخواسته یا به هر دلیل مرتکب فحشا شدند، ضمن آنکه اصرار به انجام آن نداشته باشند، استغفار کنند تا گناه در درونشان نهادینه نشود و اثر آن زود از بین برود؛ زیرا غالباً از روی غفلت و بواسطه فرط شهوت واقع می‌شود؛ که توبه جبران خطاست. ملائک در استغفار این است که یاد خدا داعی بر آن باشد، نه صرف کلمه «استغفر الله» که به لقلقه زبان صورت گیرد؛ یعنی خدا می‌خواهد انسان گنهکار به او پناه برد و نخواهد آن عمل زشت را همچنان مرتکب شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۲۱). باتوجه به آیات این مرحله به دست می‌آید که: تبیین و آگاهی بخشی، تنها به دوره مکی محدود نمی‌شود و باتوجه به شرایط جامعه، نیاز به استمرار این شیوه است؛ چون انسان به سبب ذاتش که در معرض فریب شیطان است، به تذکر و تبیین همیشگی نیاز دارد؛ خصوصاً در ابتدای دوران مدنی که ارتباطات جدید با افراد و ادیان گوناگون شکل می‌گیرد و عده‌ای درصدد انحراف مسلمین هستند. فریب‌خوردگان جنسی با توبه به جبران خطای گذشته می‌پردازند و حس آرامشی برای آینده پیدا می‌کنند. در ضمن، این آیه راهکار برای خروج از گناه فحشا را نشان می‌دهد که با استغفار و عدم اصرار بر گناه، اقدام به ترک این نوع گناه کنند.

♦ مرحله دوم: اقدامات تأمینی و تربیتی

پس از اینکه اسلام در دل مسلمین مستحکم شد و احکام آن در قلوبشان گوارا گردید؛ یعنی هنجارهای اجتماعی به صورت کامل در جامعه مورد پذیرش عمومی قرار گرفت، به گونه‌ای که عرف جامعه مسلمان رفتارهای جنسی خارج از چارچوب شرع را ناهنجار تلقی می‌کند، مسلمین در این مرحله انتظار دارند با مرتکبین خلاف عفت عمومی برخورد اجتماعی و حقوقی بشود. از این‌رو، در این مرحله قرآن با اقدامات تأمینی و تربیتی، گام‌هایی در برخورد با مجرمین برداشته است، تا علاوه بر اصلاح و تربیت خودشان، از شیوع فساد در بین مردم پیشگیری شود.

الف. تناسب عذاب فحشا با شخصیت حقیقی و حقوقی افراد: مراد از «فَاحِشَةً مُّبِينَةً» در آیه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُم بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ...» (احزاب، ۳۰) سرپیچی از شوهر و



بداخلاقی (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱، ص ۱۸۱)، یا سرپیچی از پیامبر است (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۹۵). فاحشه، مقید به «مُیَّئَة» شده است؛ چون زشتکاری گاهی آشکار و در برابر چشم دیگران بوده و گاهی پنهان و تنها میان گناهکار و خداوند است. زشتی از هر نوع باشد، فاحشه است؛ اما در آیه چون در مقام بیان و عذاب، دو برابر است، یک عذاب مربوط به گناه بوده و عذاب دیگر مربوط به این است که آنان همسران پیامبر هستند و گناه آنها باعث لطمه به آبروی پیامبر می شود (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۵، ص ۱۶۶). از بیان مصادیق مختلف در تفاسیر به دست می آید که فاحشه دارای مفهومی فراتر است؛ یعنی سرپیچی از فرمان های الهی که همان مطلق معصیت است. گرچه در مطلق فاحشه گناه زنا هم جا دارد؛ اما در اینجا به قرینه زنان پیامبر خارج می شود (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱، ص ۱۸۱). در این آیه پیش از بیان نحوه برخورد با مجرمین، به تناسب مجازات با شخص مجرم با توجه به جایگاه اجتماعی او اشاره می کند، چراکه انجام جرم توسط افراد شاخص، اثر مخرب بیشتری نسبت به افراد عادی دارد؛ یعنی علاوه بر اثر مخرب مجرم عادی، این فرد دارای مقام، یک اثر تخریبی فوق العاده به جا می گذارد؛ چراکه رفتارش زیر ذربین است و دیگران از او پیروی می کنند. پس، به همین میزان باید مجازاتش با دیگران فرق کند و متأسفانه این نحوه برخورد در جامعه کنونی مغفول است و برای همه یک حکم واحد اجرا می شود. در مجازات اسلامی بین نوع جرم، خصوصیت و شخصیت مجرم، زمان و مکان وقوع جرم و چگونگی عقوبت آن، تناسب لازم مراعات شده است. هرچه تناسب بین جرم و جزا در ابعاد مختلف بیشتر باشد، مجازات انسانی تر و کارسازتر خواهد بود (امام خمینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۴۱۹-۴۲۰).

ب. حبس خانگی، کیفر زن گناهکار جهت صیانت جامعه: مفسران شیعه و اهل سنت از اینکه مراد از فاحشه در آیه «وَاللَّاتِي يَأْتِيَنَّكَ الْفَاحِشَةُ مِنْ نِسَائِكَ فَاسْتَشْهَدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا» (نساء، ۱۵) چه گناهی است، اختلاف نظر دارند و هریک برای نظر خود دلیلی از آیه یا روایت اقامه کرده اند. فاحشه معنای عام دارد و هیچ ظهوری در خصوص زنا ندارد؛ نه از نظر وضع و نه از نظر انصراف (خویی، ۱۳۹۳، ص ۲۳۱). اما گروهی معتقدند چون با «الف-لام» عهد آمده، اشاره به مطلق زنا چه محصنه، و چه غیر محصنه دارد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۵؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۲۳۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۸۸). «امساک» کنایه از بازداشت زنان زناکار در خانه به منظور صیانت آنان از اینکه بیشتر آلوده شوند و نیز صیانت افراد جامعه از اینکه به وسیله این زنان به گناه کشیده شوند، دارد؛ زیرا هنگامی که به زن آزادی عطا شد، از حدود و قوانین خانه تجاوز کرد؛ پس، طبیعی است که او را جبراً به موقعیتی که حرمت آن را شکسته، بازگردانند (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۴۱). عده ای بر این عقیده اند که این امساک در خانه، حدّ برای زنا است که در اول اسلام چنین بوده و بعد با آیه ۲ سوره نور نسخ شده است (ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۲۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۴)، یا اینکه سیاق آیه نشانگر محدودیت حکم به زمان است و نسخی صورت نگرفته



است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۸۸؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۰۸)، اما به نظر می‌رسد، این حکم برای پیشگیری از تکرار ارتکاب فحشا و برای عبرت دیگر زنان از انجام چنین گناهی تشریع شده است. پس، اصلاً منافاتی میان دو حکم نیست، تا اولی با دومی نسخ شده باشد (خویی، ۱۳۹۳، ص ۲۳۱). بنابراین، می‌تواند به عنوان حکمی در کنار حد قابل اجرا باشد. قرآن حبس زن را مترتب بر شهادت شهود کرده، نه بر اصل وقوع عمل زشت، و این خود یکی از مَت‌های خدا بر امت اسلام برای حفظ آبروی دیگران است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۲۳۴). حکم الهی درباره تحت مراقبت قرار دادن زنان زناکار، نشان می‌دهد این اقدام تأمینی و تربیتی تنها به آنان اختصاص ندارد؛ بلکه با القاء خصوصیت و تنقیح مناط، می‌توان آن را در مورد هر فردی که شرایط مشابه داشته و احتمال تکرار جرم در او وجود دارد نیز اعمال کرد. بنابراین، یکی از شیوه‌های حفظ تقوای جنسی و ماندگاری هنجارهای اخلاقی در جامعه، برخورد اجتماعی و حقوقی با رفتارهای ضد هنجار از طریق اجرای مجازات در میان جامعه مؤمنان است.

ج. اذیت مردان و زنان بی‌همسر زناکار: ضمیر «ها» در «يَا أَيُّهَا النَّهَّا» در آیه «وَاللَّذَانِ يَأْتِيَانَهَا مِنْكُمْ فَادُّوهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا» (نساء، ۱۶) دلالت بر زنا (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۸۸) و لواط (ملاحویش، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۵۳۱؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۲۰۶) دارد. «ایذاء» یعنی شکنجه دادن (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۲۳۴) یا توبیخ و استخفاف (فاضل مقداد، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۳۴۰) مجرم است. همزمان با نگاه‌داشتن بانوان در منزل، حکم اذیت و اعراض برای مردان می‌آید؛ یعنی آقایان هم باید در معرض اقدامات تربیتی قرار بگیرند و اگر خطایی مرتکب شدند، سزای رفتاری خطای خود را از نظر روانی متحمل شوند. این آزار دادن گاه به صورت رسوا کردن در برابر مردم به تراشیدن سر یا شلاق زدن یا زندانی کردن است (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۴۳). گرچه در این آیه تصریحی به زنا یا «غیر محصنه» نشده، ولی از آنجاکه این آیه دنبال آیه گذشته آمده، و مجازاتی که برای زنا در این آیه ذکر شده، با مجازات آیه گذشته تفاوت دارد که از آن خفیف‌تر است، استفاده می‌شود که این حکم درباره آن دسته از مرتکبین زنا است که در آیه قبل داخل نبوده‌اند، در نتیجه، این آیه حکم «زنا غیر محصنه» را بیان می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۰۹). در پایان، آیه اشاره به مسئله توبه و بخشش کرده و می‌فرماید: «فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَحِيمًا».

د. جواز سخت‌گیری بر فاحشه هنگام طلاق: «فَاحِشَةً» در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتَابُوا النِّسَاءَ كَرَاهًا وَلَا تَعْضِلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْنَهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ... وَ لَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَ مَقْتًا وَ سَاءَ سَبِيلًا ... وَ مَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّنْ فَيِّكُكُمْ ... فَإِنْ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ» (نساء، ۱۹-۲۵) بر اعم از زنا (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۴،



ص ۴۱۰-۴۱)، نشوز (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۴۷؛ ابن عاشور، بی تا، ج ۴، ص ۷۱)، بدرفتاری (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۹۱) و غیر آن اطلاق شده است، نه مطلق گناه. همچنین در این آیات به برخورد با مرتکبین عمل منفی عفت اشاره شده که اگر آن‌ها مرتکب عمل ننگینی گردند، به همسرانشان اجازه برخورد با آنان را داده است، تا جایی که شوهران می‌توانند آن‌ها را تحت فشار قرار دهند، مهر خود را حلال کرده و طلاق بگیرند و در حقیقت این کار یک نوع مجازات و شبیه به گرفتن غرامت در برابر کارهای ناروای این دسته از زنان است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۲۰). آیه به ضرورت رفع موانع اجتماعی اشاره می‌کند که دختران را به اکراه به زنا وامی‌دارد، مانند افزونی مهرها، و وضع شروط سنگینی برای زناشویی - که خداوند آن‌ها را مقرر نکرده است - و اسلام با قدرت با این موانع رویارویی می‌کند. اسلام بر تسهیل در زناشویی تشویق کرده است (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۸، ص ۳۱۰). از طرفی آیه در کنار مجازات، برای فرار از فحشای جنسی و پیشگیری از روابط ناسالم جنسی، راهکار ازدواج را ارائه می‌دهد. پیشنهاد ازدواج متعه (نساء، ۲۴) یا حتی اگر از نظر اقتصادی شرایط ازدواج با زنان آزاد مهیاء نیست، با کنیزان با رعایت شرایط خاص خودش ازدواج کنید و اگر افرادی توانایی ازدواج به هر دلیل خواه اقتصادی یا غیر آن را ندارند، باید عفت پیش گیرند تا فضل الهی شامل حال‌شان شود «وَلَيْسَتُغْفِرَ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ... وَلَا تُكْرَهُوا فَتَيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِيَبْتَلُوهُمَا عَرْضَ الْحَيَوةِ الدُّنْيَا» (نور، ۳۳)؛ یعنی در اینگونه موارد نهی از منکر بدون نشان دادن راهکار تأمین مشروع لذت‌های طبیعی حکیمانه نیست (بهجت‌پور، ۱۳۹۸، ص ۶۷).

ر. عدم حمایت حقوقی از مطلقه فاجر: «فَاحِشَه» در آیه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ ... لَا تَخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ» (طلاق، ۱) در معانی متعدد از جمله: زناى محصنه (طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۳۲)؛ دزدی کردن از مال شوهر (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۳۷۴)؛ نشوز و نافرمانی زن از همسر (طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۳۲؛ بلخی، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۳۶۳) یا دشنام دادن و اذیت کردن خانواده همسر (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۴۵۹؛ دروزه، ۱۳۸۳ق، ج ۸، ص ۳۳۷) آمده است؛ و مراد از «مُبَيَّنَةٍ» این است که شخص آن عمل را آشکارا انجام دهد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۴۵۹؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۵۶۱). اگر فحشا امنیت خانواده را به خطر انداخت، دیگر حتی رعایت حرمت زنان مطلقه هم جایز نیست و همسران اجازه دارند در صورت طلاق رجعی، در مدت عده، مرتکبین فحشا را از منزل خارج کنند، تا زنان بدکاره بدانند که از حمایت حقوقی خدا نیز خارج می‌شوند؛ چون حرمت خانواده را شکسته‌اند. حمایت نکردن از زنان مطلقه فاجره حکمی تنبیهی و از طرفی بازدارنده برای این عمل زشت است، تا دیگران هم درس عبرت بگیرند. در مرحله دوم یعنی اوایل مدینه که مسلمین بیشتر با احکام اسلامی آگاه شده‌اند و از محیط شرک و تأثیرپذیری از آنان تا حد زیادی فاصله گرفته‌اند، کم‌کم قوانین ابتدایی نیز حاکم می‌شود و احکام تنبیهی بازدارنده برای مرتکبین فحشا از



نگهداری در منزل و اعراض تا وادار کردن به بخشش یا کم کردن مهر و عدم حقوق حمایتی از آنان مطرح می‌شود. حتی اجازه دارند در مدت عده طلاق رجعی، مرتکبین فحشا را از منزل خارج کنند. اینها گوشه‌ای از مجازات برای مرتکبین فحشا بود، تا دیگران هم درس عبرت بگیرند و اقدام به این عمل قبیح نکنند؛ یعنی ضمن اینکه مجازات است، اما اثر تربیتی دارد.

♦ مرحله سوم: اجرای حدود و مجازات الهی

در اواخر دوران مدینه، چون مسلمین قدرت یافته‌اند، عملاً با اجرای حدود به مبارزه با مرتکبین فحشا می‌پردازند. وضع و اجرای قانون، عامل تنبیه برای مجرمان و بازدارنده برای پاکان است؛ برخوردی قاطع و بدون ترحم، اما سازنده و پیشگیرانه برای سایر افراد جامعه، تا ضمن پرداخت تاوان کارشان، فضای ناامنی که ایجاد کرده‌اند، به محیطی امن و پاک تبدیل شود. حقوق و قوانین کیفری هرچند از ارزش‌ها و احساسات اخلاقی متأثرند، اما با صراحت در قواعد و ضمانت در اجرا، کمک شایانی در نظارت اجتماعی خواهند داشت. در حالی که در دیگر اقسام نظارت اجتماعی، این خصوصیت و کارکرد وجود ندارد (باتومور، ۱۳۷۰، ص ۲۹۷).

الف. پیشگیری از بی‌عفتی با اجرای بدون ترحم حد زنا: در آیه «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ ... وَلَيْشَهِدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ» (نور، ۲)؛ سه مطلب بیان شده است: اول، زناکار، اعم از مرد و زن و از هر ملیتی (ملاحویش، ۱۳۸۲ق، ج ۶، ص ۱۰۶) باید مجازات شود. دوم، عدم دخالت عاطفه در اجرای حد. سوم، جهت عبرت‌گیری دیگران مجازات مخفی نباشد، بلکه در حضور جمعی از مومنان اجرا شود. اعلان حکم از اقدامات تأمینی است، تا ضمن عبرت برای دیگران، گرد چنین جرمی نگردند (فاضل مقداد، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۳۴۲) و هم موجب شناسایی محکوم‌علیه شود، تا مردم با شناختن او، مواظب روابط خود و فرزندان و اطرافیان با چنین فردی باشند (صانعی، ۱۳۷۲، ص ۲۳۹). دعوت از مردم برای حضور در محل اجرای حکم، به حد زنا اختصاص ندارد و چنانچه مصلحت عمومی ایجاب کند و منعی در بین نباشد، باید این حکم در سایر جرائم مهم نیز مورد اجرا قرار گیرد. در عبارت «فَأَمْسِكُوهُمْ» (نساء، ۱۵)، چون در مرحله ابتدایی است، نگهداشتن زن منحرف در خانه برای اصلاح، باید به صورت مخفی باشد، و نه در انتظار عموم؛ تا اشاعه فحشاء نشود و حیثیت اجتماع اسلامی و خانواده محفوظ بماند. اما وقتی فحشا علنی شد، باید در ملا عام، حد تازیانه یا سنگسار اجرا شود. گرچه از ابتدای تشکیل جامعه بسته مدینه تا آنگاه که اسلام پهنای شرق و غرب را فراگرفت، مواردی که این احکام اجرا و بازگو شده، بسیار اندک است؛ چون اثبات و ثبوت جرائم منافی با عفت و طهارت نسل، با چهار تن شهود عینی عادل و بالغ، و نه با گمان و شایع، همچنین با اقرار آگاه و آزادانه و نه غافلانه، مشکل و یا ممتنع می‌باشد (طالقانی، ۱۳۶۴، ج ۶، ص ۱۱۰). بنابراین، آیه ضمن آنکه به نحوه عملی برخورد با مرتکبان اشاره می‌کند، برخورد پیشگیرانه نیز دارد. با اینکه فحشا



باید پوشیده بماند و علنی نشود و حتی اشاعه آن گناه است، اما وقتی آشکار شد و نوبت به اجرای حکم رسید، دیگر مصداق اشاعه فحشا نمی‌کند و حتی اجرای آن در ملأ عام حکم بازدارندگی برای عامه مردم دارد.

ب. برخورد قاطع با اشاعه فحشا و هتک حرمت مؤمنان: مراد از «الَّذِينَ يُحِبُّونَ» در آیه «افك» «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نور، ۱۹) همان منافقان‌اند (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۵، ص ۴۰۳). خدا نفرموده کسانی که اشاعه فحشا کنند، بلکه می‌فرماید «کسانی که دوست دارند...»، یعنی تاکید دارد کسانی هم که به این کار راضی هستند، در دنیا و آخرت عذاب خواهند شد، چه برسد به کسانی که دست به چنین اعمالی می‌زنند. مراد از «تَشِيعُ الْفَاحِشَةُ»، انتشار (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۳، ص ۳۴۶) اخبار فاحشه (ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۱۸، ص ۱۴۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۳۱۹) یا قصد و اراده اشاعه (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۲۲) بوده که همان نقل «إفك» به ارتکاب فاحشه یا گفتگو از این امر در بین مردم یا گوش دادن به این گناه است (خطیب، بی‌تا، ج ۹۹، ص ۱۲۴۹)؛ یعنی فحشا در میان اهل ایمان شایع شود، یا نسبت فحشا درباره اهل ایمان شایع شود، یعنی کسانی که دوست دارند عرض اهل ایمان را لکه‌دار کنند. گرچه در مورد قذف عایشه وارد گردیده، اما ملاك، عمومیت لفظ آیه است، و نه خاص بودن سبب نزول آن. پس، آیه شامل هرگونه اشاعه فحشا می‌شود (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۳، ص ۳۴۵). منظور از «عَذَابٌ أَلِيمٌ» در دنیا، حد قذف ۸۰ ضربه تازیانه و مجازات تکمیلی و یا تبعی (به تبع از دست دادن صفت عدالت) عدم پذیرش شهادت، به مجازات آنان «وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شَهَدَاءَ فَاجْلَدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور، ۴) اضافه کرده است (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۲۸). خداوند در این آیه به کسی که شیوع فحشا را دوست دارد، وعده عذاب دنیا همراه با عذاب آخرت را می‌دهد و این فقط می‌تواند درباره کسانی باشد که علاوه بر قذف، خواهان شیوع فحشا در میان مؤمنان هستند (مغنیه، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۵۹)، وگرنه کسی که به هر دلیلی به دیگری تهمت زده، ولی خواهان شیوع فحشا نیست، با اجرای حد هشتاد تازیانه پاك می‌شود و به‌خاطر این گناه مجازات اخروی ندارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۳۱۹). برخی هم منظور از «عَذَابٌ أَلِيمٌ» را حد و لعن از سوی خداوند و مؤمنان تفسیر کرده‌اند (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۳، ص ۲۴۶). علامه طباطبایی قائل است که: فقط به قذف اختصاص ندارد، بلکه قاعده‌ای کلی است که قذف یکی از مصادیق آن است. طبق این برداشت مراد از عذاب در آیه، معنای حقیقی آن است و عذاب در دنیا، حمل بر حد می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۱۳۴).

آنچه به حسب ظاهر در آیه مورد نهی قرار گرفته است، تمایل به اشاعه فحشا است، درحالی‌که صرف علاقه داشتن، تا وقتی که به اقدام عملی در این جهت نینجامد، نباید مستوجب عقاب شمرده شود. از



این‌رو، برخی مفسران به این نکته توجه کرده‌اند؛ مثلاً آلوسی می‌نویسد: منظور از علاقه داشتن به شیوع، خود اشاعه است؛ زیرا عقاب، تنها بر اشاعه مترتب می‌شود، و نه بر علاقه به اشاعه که اختیاری نیست. بر فرض بپذیریم که منظور از علاقه، محبتی است که تحت اختیار شخصی بوده و بر چنین محبتی عقاب مترتب می‌گردد، عقاب چنین محبتی اخروی است، و نه دنیوی (مثل حد و...) (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۳۲۰)؛ اما برخی قائل هستند که: مقصود از آیه، حبّ اشاعه فحشا است؛ پس، آیه بر حرمت این حبّ دلالت می‌کند. برخی معصیت را به جهت لذت بردن از خود آن معصیت انجام می‌دهند، اما برخی دیگر اصل وقوع معصیت را طالب هستند، هر چند این گناه به وسیله فرد دیگر محقق شود که بین این دو تفاوت وجود دارد و دومی بسیار بدتر از اولی است (صدر، ۱۴۲۰ق، ص ۲۹۱). گرچه بر این دیدگاه نقد وارد است که چنین برداشتی از آیه، مبتنی بر نوعی تفسیر اخلاقی است؛ در حالی که مشهور فقها این آیه را در زمره آیات الاحکام شمرده و از آن حکم شرعی استفاده کرده‌اند؛ اما در عموم کتب فقهی در باب مکاسب محرمة، در حرمت غیبت، هجو و... به این آیه مکرراً استناد شده است. ثانیاً، منافاتی وجود ندارد که آیه در عین حال که حاوی پیام اخلاقی است، به لحاظ فقهی و شرعی نیز دلالت بر حکمی نماید. آنچه از این آیه استنباط می‌شود، مذمت اشاعه فحشا نزد پروردگار است. اگر به آیه از منظر فقهی نگریسته شود، فعلی که درصدد اشاعه فاحشه در جامعه است، منهی عنه و حرام بوده و حتی مطابق رأی غالب فقها، در زمره گناهان کبیره است (دستغیب، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۷). اگر از نگاه اخلاقی به آن توجه شود، کیفیت نفسانی که به واسطه آن انسان درصدد رواج زشتی‌ها است، مذموم شمرده می‌شود. به همین جهت هریک از اقوال ذکر شده، بخشی از تفسیر آیه می‌باشد و تا جایی که در کنار اقوال دیگر بروز داشته باشد، صحیح است. با توجه به آیه «لَا يَحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ...» (نساء، ۴۸) خداوند از پخش گناه و تضييع آبروی مردم، به هر کیفیتی که باشد، منع نموده و نخواستۀ شایع شود. مفهوم «السُّوء» از نظر لغوی وسیع است و هر کار زشت و مخل به عفت را دربرمی‌گیرد و منظور از «الْجَهْرَ... مِنَ الْقَوْلِ» هرگونه اظهار لفظی است، خواه به صورت حکایت، غیبت و یا شکایت باشد، و منحصر به غیبت نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۸۴). اشاعه فحشا منحصر در تهمت دروغ بر ضد مسلمان نیست؛ بلکه هر عملی که به شرف انسان لطمه بزند، از مصادیق آن است. پس، ارتکاب علنی گناه، بدون ملاحظه دین و بدون توجه به آداب اجتماعی، از مصادیق فحشا است (همان، ج ۱۱، ص ۵۴). اشاعه فحشا، یعنی ارتکاب آن یا بازگو کردن آن برای مردم است، تا کسانی که آن را ندیدند، جسارت به انجام آن پیدا کنند که این از منحوس‌ترین مصادیق شیوع فحشا بوده و یا به طور مخفیانه گناهی انجام شده و آن را بیان می‌کند و آبروی فرد را می‌برد (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲۱، ص ۷۸) که خدا از این نیز نهی کرده است. «بندگان خدا را اذیت نکنید و عیب بر آنان ننهید و به دنبال کشف امور پوشیده آنان نباشید؛ هرکس دنبال برملا کردن امور پوشیده دیگران باشد، خدا در خانه‌اش رسوایش می‌کند» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۲۴). در فقه شیعه



تاکید شده که تجسس در زندگی دیگران و افشای جرم آنان، اگر گفتن آن‌ها مصلحتی نداشته باشد، از مصادیق اشاعه فحشا بوده و چنین کاری بدون مجوز شرعی حرام بوده و مرتکب آن مستحق عقوبت است (معرفت، ۱۴۲۵ق، ص ۳۷۸). اشاعه فحشا اشکال مختلفی دارد: فرد خود اقدام به انجام فحشا می‌کند، علنی کردن عمل فحشای دیگران، گوش سپردن به گفتار گناه‌آلود، و انتشار خبرهای فحشا (خطیب، بی‌تا، ج ۹، ص ۱۲۴۸).

البته در روایات، انتشاردهنده فحشا همانند انجام‌دهنده آن معرفی شده است. قال رسول‌الله: «مَنْ أَذَاعَ فَاحِشَةً كَانَ كَمُبْتَدِلِهَا» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۳۸۶). اشاعه فحشا و بازگو کردن و نشر اخبار فسادانگیز، اگر سبب ریخته شدن آبروی مومنی بشود، یا اینکه سبب ترویج گناه و یا اعانه بر اثم گردد، حرام است. با اشاعه فحشا امنیت خانواده و اجتماع به خطر می‌افتد. برخی از موارد، استثناء اشاعه فحشا است، با اینکه سبب هتک آبروی مؤمن می‌شود، حرام نیست؛ مانند شکایت از ظالم برای بازستاندن حق یا شهادت به فحشا به غرض اجرای حدود الهی یا جرح شاهد و... که در تمام این موارد مصلحتی اهم نهفته است که اشاعه فحشا را توجیه کرده و سبب عدم اتصاف اشاعه فحشا به قبح می‌شود. وضع کیفر سخت (عذاب دردناک)، به‌منظور جلوگیری از آلوده شدن جامعه ایمانی به مفاسد اخلاقی و فحشا، جلوه‌ای از فضل و رحمت خداوند به امت اسلامی است. آیه، مسلمانان را از دعوت قولی و فعلی به سوی منکرات برحذر می‌دارد (شنقیطی، بی‌تا، ج ۵، ص ۴). گناه اگر علنی باشد، اشاعه فحشا می‌شود و پنهانی هم اگرچه عقوبتش کمتر است، لکن کسی که از مردم حیاء کند و از خدا حیاء نداشته باشد، خدا را کوچک‌تر از خلق دانسته است (طیب، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۱۹۷). در مرحله سوم، تقریباً در اواخر دوران مدینه با بحث ضابطه‌مندی و قوانین سخت مجازات فیزیکی در فحشا و اشاعه فحشا مواجه هستیم؛ چون اشاعه دادن منکرات بیشتر از طرف دشمن عامدانه و مغرضانه برای به‌هم زدن صفوف و امنیت جامعه و سست کردن عقاید مردم در دوران تشکیلاتی شدن جامعه است. در این دوره قرآن نه‌تنها با مرتکبان فحشا برخورد می‌کند؛ بلکه با کسانی که به اشاعه فحشا می‌پردازند نیز برخورد می‌کند، تا فضای جامعه مسموم نشود و مردم در امنیت تمام در کنار هم با آرامش زندگی کنند.

♦ مرحله چهارم: جداسازی خاطیان جهت پاک‌سازی و امنیت‌بخشی به جامعه

در مرحله آخر، ظاهراً شرک از جامعه زدوده شده و جز اسلام در آن سرزمین باقی نمانده است، پاکدامنی در جامعه مؤمنین تثبیت شده و مؤمنین ضمن پالایش ناهنجاری‌ها و برخورد با مرتکبان فحشا، از هنجارها مراقبت می‌کنند، تا جامعه از آسیب‌های محتمل مصون بماند. قرآن پس از اینکه راهکار وضع قانون مجازات برای افراد خاطی را اجرا کرد، برای اینکه جامعه پاک بماند، دستور به جداسازی پاکان و ناپاکان جهت سلامتی جامعه می‌دهد.

الف. هم‌کفو بودن از نظر پاکدامنی در ازدواج: ازدواج یکی از بهترین راهکارهای درمانی در جهت



طغیان غریزه جنسی است که ضمن آرامش بخشی، غریزه جنسی را در مسیر صحیح و شرعی هدایت می کند، اما برای زناکار علاوه بر تنبیه جسمی و تنبیه روحی و اجتماعی، باید محدودیت های دیگری نیز باشد. لیاقت زانی، ازدواج با زانیه است: «الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرَكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرْمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» (نور، ۳). پس، حق انتخاب از پاکان را ندارند و مومنین هم حق ندارند با آن ها معاشرت عمیق خانوادگی داشته باشند، تا بر نسل آنان تاثیر نگذارد. انحراف در خانواده علاوه بر تأثیرگذاری روی فرزندان، هریک از همسران را هم به سوی کج روی می کشاند. قرآن ضمن منع ازدواج با مشرکین، حکمت آن را اینگونه بیان می دارد: «أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ» (بقره، ۲۲۱)؛ یعنی آن ها با عقاید، اخلاق و رفتار انحرافی خود، شما را به شرک و شقاوت دعوت می کنند، پس، برای نجات خود، از معاشرت و ازدواج با آن ها پرهیز کنید (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۰۵). جداسازی افراد آلوده از اجتماع به منظور دفاع از پاکی و آبروی جامعه ایمانی، باید مورد توجه مومنان قرار گیرد، تا این خلاف به حداقل برسد؛ چراکه همنشینی با منحرفان در ارتکاب فحشا تاثیر دارد.

ب. تأکید بر همگونی در انتخاب همسر: مراد از «خبث» در آیه «الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ» (نور، ۲۶) کارهای قبیح است (طیب، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۵۱۵). به خاطر هم جنسی و هم سنجی، پاکان برای پاکان هستند؛ چنانکه ناپاکان نیز مناسب هم می باشند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۹۶). سالم ماندن نسل های پاک، از برنامه های قرآن است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۸، ص ۱۷۰).

ج. عفت و حجاب عامل امنیت: مراد از «غض بصر» در آیه «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ... وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ... وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ...» (نور، ۳۰-۳۱)، بستن چشم نیست؛ بلکه منحرف کردن یا کم کردن نگاه از روی حیا است (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۸، ص ۲۱۴). عموم افراد جامعه اسلامی از زن و مرد، موظف اند تا نگاه های خود را کنترل کنند و حتی فروگرفتن چشم را ابتدا به مرد امر می کند؛ زیرا نگرستن مرد به زن بیشتر برانگیزنده فتنه است. چنین تدبیری فرصت را برای برخی از زنان کج رو باقی نمی گذارد، تا با عرضه خود در جامعه، عده ای را به دام انحراف بکشانند. در این آیات «غض بصر» قبل از «حفظ فرج» آمده، یعنی حفظ نگاه موجب می شود فرد به سایر مراحل تعفف راه یابد، اگر نگاه کنترل نشود، به ارتباط گیری با نامحرم و چه بسا به دیگر رفتارهای شنیع منجر خواهد شد. اما حجاب را فقط بر زن واجب می سازد. یکی از راه های حفظ عفت در جامعه، نهان کردن زینت و جذابیت ظاهری از سوی زنان است؛ چراکه آشکار نمودن زینت و در معرض قرار دادن جذابیت جسمی، بر تشدید التهاب و تشنگی جنسی جوانان می افزاید و ایجاد ناامنی اخلاقی و مفاسد اجتماعی می کند. در این راستا، حجاب عاملی برای جداسازی منحرفان



و پاکان است. همان طور که در آیات دیگر سفارش می کند که: از جلوه‌گری بپرهیز؛ «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى...» (احزاب، ۳۳)، و پوشش کامل بگیرند و حجم بدن خود را بپوشند، «يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ» (احزاب، ۵۹)، اشاره به این نکته دارد که اگر می‌خواهید از اذیت مردان هرزه در امان بمانید، خود را بپوشانید. وقتی که بانوان مسلمان با پوشش مناسب در جامعه حضور یابند، زمینه‌ای برای فرصت طلبان بیمار دل باقی نمی‌گذارد. بنابراین، یکی از مهم‌ترین و برترین راه‌های پیشگیری از فساد اخلاقی و آسیب‌های اجتماعی، رعایت حدود در مواجهه با افراد نامحرم و پوشش اسلامی است. البته حفظ حریم در فعالیت‌های اجتماعی فقط منحصر به داشتن حجاب ظاهری نیست؛ بلکه هرگونه خروج از رفتارهای متین، رفاقت، اختلاط، خلوت و شوخی کردن با نامحرم، مراقبت نکردن در لحن و محتوای سخن با نامحرم و... به حریم و فاصله میان زن و مرد در جامعه ضربه می‌زند (اسماعیلی و مهدیان، ۱۳۹۳، ص ۲۳). در مرحله آخر، برای تضمین سلامت اخلاقی جامعه ایمانی از نسبت‌های آلوده، قرآن پیشنهاد جداسازی بین پاکان و ناپاکان را با حجاب و سنخیت در ازدواج می‌دهد.

۵. نتیجه‌گیری

۱) با بررسی‌های صورت گرفته به دست آمد که، در دوران مدنی، مرحله تبیین منحصر در دوران مکی نیست و پایه‌های تشریع استمرار دارد؛ بلکه شاید بتوان گفت آگاهی بخشی در هر دوره‌ای لازم است، چراکه انسان خطاکار و فراموش کار بوده و نیاز به تذکر دائمی دارد؛ گرچه به حسب شرایط، گاهی جلوه کمتری دارد. بنابراین، مرحله اول که از اواخر مکه شروع، و تا اوایل مدینه ادامه دارد و از فحش‌های دوران جاهلی کمی به دور افتاده‌اند و مسلمانان تقریباً مراوداتشان با مشرکین کمتر شده و خودشان با یکدیگر تعامل دارند؛ حال اگر فردی مرتکب خطا شد، ضمن توجه دادن او به اجتناب از فحشا، دعوت به توبه می‌کنند.

۲) گرچه پیشگیری از این منکر اصل است؛ اما گاه نیاز به درمان موارد خاطی هم هست؛ از طرفی چون هنوز قوانین حقوقی اسلام کامل بیان نشده است، در این مرحله اقدامات تأمینی و تربیتی اجرا می‌شود، خطاکاران حبس خانگی می‌شوند، تا با فاصله بین خطاکاران، جامعه سالم بماند؛ یعنی کنترل خارجی توسط حکومت نقش بازدارندگی را دارد. مرحله بعد، مبارزه با آسیب‌های اجتماعی فحشا است که دشمن دست‌اندازی می‌کند. در این مرحله گرچه مسلمین شاید کمتر به گرد این گناه می‌روند؛ اما دشمنان با اشاعه فحشا می‌خواهند باز جامعه اسلامی آلوده باشد. لذا، به پاکان تهمت می‌زدند که قرآن مجازات سنگینی برای دفاع از پاکان و جرأت نکردن مجدد دشمن وضع می‌کند. در مرحله آخر برای تضمین سلامت اخلاقی جامعه، ازدواج با هم‌سنخان را ارائه می‌دهد.



۳) قرآن ضمن توجه به پاک‌سازی و سازندگی‌های اخلاقی افراد، راهکار اجتماعی ازدواج را می‌دهد، تا گزینه از راه درست خودش تأمین شود و اگر افرادی در این راستا خطا کردند، برخوردهای سلبی و قانونی با افراد هنجارشکن شروع می‌شود، تا از آسیب‌های این امر کاسته شده و برای داشتن جامعه‌ای سالم، دعوت به پوشاندن گناهان می‌کند، تا گناهان عادی نگردند.

۴) از مهم‌ترین نحوه برخورد قرآن با مجرمان عفتی، اجرای مجازات به تناسب مرتکب جرم است، تا جایی که قرآن برای افراد شاخص و به قول امروزی‌ها ستاره‌ها، به جهت اینکه رفتارشان در زیر ذره‌بین جامعه است، مجازات سنگین‌تری را اعمال می‌کند. نکته‌ای که سخت مغفول مانده و در جامعه کنونی به بهانه برابری در قانون برای همه مجرمین نسخه واحدی پیچیده می‌شود.

۵) با توجه به میزان آیات بررسی شده، به دست می‌آید که روش تبیین با شتاب کم و ثبات زیاد، اما روش اجرای قانون سرعت بالا، ولی ثبات کمتری دارد. پس، برای نتیجه بهتر در برخورد با این معضل، در کنار اجرای قانون، از طریق حکومت از بحث نظارت درونی افراد با تزکیه و اطاعت از فرامین الهی نباید غافل شد. از تحلیل مهندسی قرآن در مقابله با فحشاء می‌توان به راهبردهای مهمی در قلمرو نهادهای امنیتی فرهنگی و حتی قانون‌گذاری جامعه دست یافت؛ مثلاً، شدت برخورد با فساد اخلاقی در آقازاده‌ها و افراد شاخص و آموزش درست در زمینه عفت و حجاب و تسهیل ازدواج برای کاهش فساد جنسی.



منابع

قرآن کریم.

- آقاجانی، نصرالله (۱۳۸۹). استراتژی قرآن در مواجهه با انحرافات اجتماعی. *مطالعات راهبردی زنان*، شماره ۱۹.
- آل غازی، عبدالقادر (۱۳۸۲ق). *بیان المعانی*. دمشق: مطبعة الترقی، ج ۵-۶.
- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق). *روح المعانی*. بیروت: دارالکتب العلمیه، ج ۱، ۱۱، ۹.
- آل یاسین، عبدالحسین (۱۳۹۶). نشر خبر فحشا. *پژوهش های فقهی*، شماره ۱.
- آل یاسین، عبدالحسین (۱۳۹۶). نشر خبر فحشا. *تا اجتهاد*، (۱)، ص ۵۷-۹۸.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا). *التحریر و التتویر*. بی نا، ج ۲، ۴، ۱۸.
- ابن عطیه، عبدالحق (۱۴۲۲ق). *المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز*. بیروت: دارالکتب العلمیه، ج ۲.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق). *تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دارالکتب العلمیه، ج ۲، ۶.
- ابن منظور، محمد (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دارصادر، چاپ سوم، ج ۷-۶، ۱۳.
- ابن هشام، عبدالملک (بی تا). *السیره النبویه*. تحقیق مصطفی السقا و همکاران. بیروت: دارالمعرفه، ج ۱.
- اسماعیلی، رفیع الدین؛ مهدیان، حفیظه (۱۳۹۳). ویژگی و معیارهای عفاف و حیای شخصیت زن در جامعه اسلامی. *معرفت*، ۲۳ (۱۹۹)، ص ۲۳-۹۷.
- باتومور، تی.بی. (۱۳۷۰). *جامعه شناسی*. ترجمه: سیدحسن منصور؛ سیدحسن حسینی. تهران: امیرکبیر، چاپ چهارم.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*. بیروت: دار احیاء التراث، ج ۴.
- بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۹۳). نظریه الگوی اسلامی مهندسی فرهنگی. *راهبرد فرهنگ*، شماره ۲۷، ص ۹۱-۱۱۸.
- بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۹۴). *شناخت نامه تنزیلی سوره های قرآن کریم*. قم: تمهید.
- بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۹۸). *روش فرهنگ سازی پاکدامنی در قرآن*. قم: نشر هاجر.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). *مردم، دولت ها و هراس*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد (۱۳۶۶). *غرر الحکم و درر الکلم*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۲). *ترمینولوژی حقوق*. تهران: گنج دانش، چاپ ششم، ج ۷.
- جوهری، اسماعیل (۱۴۰۷ق). *الصحاح تاج اللغة*. تحقیق: احمد عطار. بیروت: دارالعلم للملایین، ج ۳.
- حمزه پور، علی (۱۳۹۱). *مؤلفه های نظریه امنیت پایدار در اسلام*. *آفاق امنیت*، ۵ (۱۴)، ص ۸۵-۱۲۸.
- خطیب، عبدالکریم (بی تا). *التفسیر القرآنی للقرآن*. بی نا، ج ۹.
- خمینی، سیدروح الله (۱۳۶۵). *تحریر الوسیله*. تهران: منشورات مکتبه الاعتماد، ج ۲.
- خویی، سیدابوالقاسم (۱۳۹۳). *البيان فی تفسیر القرآن*. ترجمه: سید جعفر شهیدی. قم: دار الثقلمین.
- دروزه، محمد عزت (۱۳۸۳ق). *التفسیر الحديث*. قاهره: دار احیاء الکتب العربیه، ج ۸.
- دستغیب، عبدالحسین (۱۳۸۹). *گناهان کبیره*. تهران: هاتف، ج ۱.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). *فرهنگ دهخدا*. تهران: روزنه.



- راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ق). *المفردات*. بیروت: دارالعلم.
- زحیلی، وهبة بن مصطفى (۱۴۱۸ق). *التفسير المنير في العقيدة و الشريعة و المنهج*. بیروت: دار الفكر، چاپ دوم، ج ۱۸.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق). *الکشاف*. بیروت: دارالکتب العربی، چاپ سوم، ج ۱، ۳.
- سیدکریمی، سیدعباس (۱۳۸۹). *معناشناسی واژه فاحشه در قرآن*. حسنا، شماره ۵-۶، ص ۹۶-۱۳۳.
- سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۰۴ق). *الدر المنثور*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ج ۵.
- سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۲۱ق). *الاتقان*. بیروت: دارالکتب العربی، چاپ دوم، ج ۱.
- شنقیتی، محمد بن محمد المختار (بی تا). *تفسیر سوره نور*. بی نا، ج ۵.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵). *الفرقان*. قم: فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ج ۲۱.
- صانعی، پرویز (۱۳۷۲). *حقوق جزای عمومی*. تهران: گنج دانش.
- صدر، سید محمدباقر (۱۴۲۰ق). *ماوراء الفقه*. بیروت: دارالأضواء.
- طالقانی، سید محمود (۱۳۶۴). *پرتوی از قرآن*. تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم، ج ۶.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: حوزه علمیه، چاپ پنجم، ج ۴، ۱۵، ۲.
- طبرسی، ابوعلی (۱۳۷۲). *مجمع البیان*. تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم، ج ۳، ۱۰، ۱.
- طبری، ابوجعفر (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالمعرفه، ج ۴.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۲، ۱۰.
- طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات اسلام، چاپ دوم، ج ۴، ۹.
- فاضل مقداد، جمال الدین (۱۴۱۹ق). *کنز العرفان*. مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ج ۲.
- فخر رازی، محمد (۱۴۲۰ق). *التفسیر الکبیر*. بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ج ۲۵، ۳۰، ۲۳.
- فراهیدی، ابی عبدالرحمن (۱۴۱۰ق). *کتاب العین*. قم: هجرت، چاپ دوم، ج ۳.
- فیومی، احمد بن محمد (بی تا). *المصباح المنیر*. قم: منشورات دارالرضی، ج ۲.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، چاپ یازدهم، ج ۸.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). *الجامع لأحكام القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو، ج ۴.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷). *تفسیر قمی*. قم: دارالکتب، چاپ چهارم، ج ۲.
- کلینی، محمد (۱۳۸۸). *الکافی*. دارالکتب الاسلامیه، ج ۲.
- لرنی، منوچهر (۱۳۸۳). *آسیب شناسی امنیت*. تهران: انتشارات پیام پویا.
- مدرسی، سید محمدتقی (۱۳۷۷). *تفسیر هدایت*. مشهد: انتشارات آستان قدس، ج ۲، ۸.
- مصطفوی، حسن (۱۳۷۱). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- معرفت، محمدهادی (۱۴۲۵ق). *تعليق و تحقیق عن امهات مسائل القضاء*. قم: التمهید.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق). *تفسیر الکاشف*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۵.
- مغنیه، محمدجواد (بی تا). *التفسیر المبين*. قم: بنیاد بعثت، ج ۱.

- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۳-۴، ۱۱.
- نکونام، جعفر (۱۳۸۰). درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن. تهران: هستی نما.
- هچ ماری، جو (۱۳۸۵). نظریه سازمان: مدرن، نمادین، تفسیری و پست‌مدرن. ترجمه: حسن دانایی‌فرد. تهران: افکار، ج ۱.